

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

اعتراف و شهادت نا کامل يك جمعیتی - شورای نظاری بنام رازق مأمون

آقای رازق مأمون کتاب کوچکی به اسم راز خوابیده: اسرار مرگ دکتر نجیب الله تحریر نموده است. آقای مأمون همان شخصی است بخاطر دفاع از منافع جنگ سالاران، میخواست محترمه ملالی جویا، دختر قهرمان افغان، را در يك مصاحبه تلویزیونی تحت فشار قرار دهد. اما این دختر قهرمان افغان توانست که جواب های دندان شکنی بوی ارائه کند. طوریکه از عنوان کتاب معلوم میشود، مولف خواسته تا اسرار قتل داکتر نجیب آخرین رئیس جمهور نظام دست نشاندۀ شوروی را موشکافی نماید. هدف من در اینجا ارزیابی این کتاب نیست و کمترین علاقه ای هم به چگونگی قتل داکتر نجیب ندارم. صرف میخوام که از اعتراف و شهادت نسبی آقای رازق مأمون در افشای يك راز مهم قدر دانی کنم. کمتر نویسنده جمعیت و شورای نظار دیده شده که حقایق پشت پرده را افشا نماید.

اکثر نویسندگان تنظیمی از هر گروهی که اند، حوادث تاریخی و سیاسی را طبق منافع تنظیمی و قومی خود تحریر و تفسیر می کنند و از همان کشور های بیگانه که پول میگیرند به دفاع بر میخیزند. آقای رازق مأمون به ارتباط انهدام اردوی افغانستان از يك اسرار پرده بر میدارد که ازین جرئت اش ستایش می نمایم. اینکه شعوری و یا غیر شعوری دست به چنین افشاگری زده، کار من نیست که بدانم. شاید فشار وجدان او را وادار ساخته که حل اقل يك عمل نیک برای وطنش انجام دهد. آقای مأمون در صفحه ۱۰۳ کتاب خود مینگارد:

...همچنان منابع اطلاعاتی ضد طالبان این احتمال را قوی میدانند که قبل از کودتای ناکام شهنواز تنی به هدف بر اندازی حاکمیت نجیب، حکومت روسیه تحت رهبری بوریس یلتسن و حکومت پاکستان به طور سری در خصوص سرنگونی نجیب و درهم شکستن ماشین نیرومند جنگی دولت وی به توافقاتی دست یافته بودند. جنگ افزار های پیش رفته و استراتژیك روسی که در زمان حضور ارتش شوروی در افغانستان درین کشور تجمع کرده بود، اسباب نگرانی مقامات پاکستانی و روسی را سبب شده بود. مقامات جدید روسی از سرازیری بخشی از سلاح های دوره جنگ به سوی کشور های استبداد زده و مسلمان آسیای میانه بیم ناک بودند و پاکستان به این نتیجه رسیده بود که اگر سیستم غول آسای جنگ افزار های سبک و سنگین در افغانستان متلاشی نشود، پیگیری اهداف استراتژیك آن کشور در نظام آینده افغانستان با دشواری های بزرگی رو برو خواهد بود. این محاسبه ها زمانی اشکال جدی به خود گرفته بودند که روی کرد دکتر نجیب به سوی گروه های مجاهدین قطعی شده بود و حتی مصرانه از احمد شاه مسعود دعوت می شد که مسئولیت وزارت دفاع را در يك حکومت ائتلافی بر عهده بگیرد. در همین آوان،

حکومت روسیه از دو وزیر خلقی (شهنواز تنی و راز محمد پکتین) دعوت کرد که به روسیه سفر کنند. گفته میشود که در جریان سفر شهنواز و پکتین به روسیه، بخشی از پروتوکول میان پاکستان و حکومت روسیه به هدف بر اندازی حاکمیت نجیب صورت واقعی بخود گرفته بود. اسرار این قضیه خاص در همان زمان از سوی دگر جنرال غلام فاروق یعقوبی وزیر امنیت دولتی کشف و افشا گردیده بود. با توجه به این محاسبه های منطقه یی، کودتای شهنواز کاملاً از سوی حلقه های استخباراتی منطقه طراحی شده و قبل از وقوع مورد حمایت قرار گرفته بود.

در مورد توافقات سری بین پاکستان و روسیه به ارتباط اردوی افغانستان در گذشته زمزمه هائی شده بود، لکن به این صراحت در کدام سند دیگری تحریر نشده و یا حد اقل من نخوانده ام. ازینکه يك تن از نویسندگان جمعیت - شورای نظر دست به افشا گری زده، از نگاه اینجانب يك اقدام نيك تلقی میشود. اکثر حامیان و نویسندگان جمعیت و شورای نظر نقش شوروی و ایران را در برپادی افغانستانی بعد از نجیب پنهان می کنند زیرا خود در همچو برپادی ها از جانب همان کشور ها عمل میکردند. مأمون از نزدیک رهبران جمعیت و شورای نظر را می شناسد (می شناسد) و به پاکستان هم رفت و آمد داشت. یقین که از بعضی مسائل عمده تنظیمی آگاه بوده و است و میتواندست که بعضی مسائل عمده دیگر را نیز در کتاب خود بگنجانند. مامون همچنان از چگونگی راز فرار سران خلقی و پرچمی پرده بر نمیدارد که چطور آنها سالم از افغانستان فرار کردند و کدام افراد در زمان حکومت وحشت ربانی - مسعود آنها را بیشتر مساعدت نمودند. خاموشی مامون درین خصوص همه را به این نتیجه میرساند که تعلقات روسی (KGB) ربانی - مسعود، در فرار سران خلقی - پرچمی از افغانستان نقش عمده داشت.

البته این کتاب به ارتباط قتل دکتر نجیب تحریر گردیده، اما نویسنده، تحلیل خود را طور کامل بر چگونگی قتل نجیب متمرکز نساخته، بلکه حوادث قبل از آن را هم در سیر تاریخی بیان نموده است. بنا نویسنده باید سوختاندن شهر کابل، چورچاپول موزیم ها و کتابخانه ها، سرقت اموال دولت، شهادت بیش از پنجاه هزار تن باشندۀ کابل، بی ناموسی ها و هزار ها تخریب عمدی دیگر را از جانب عمال اجانب مورد تحلیل و ارزیابی قرار میداد و نظر به دسترسی که به سران جمعیت و شورای نظر داشت و به پاکستان سفر هم میکرد، باید توطئه ها و توافقات اجانب را به ارتباط به آتش کشیدن شهر کابل بیان می نمود. روی این دلیل شهادت مأمون را ناکامل می پندارم. انهدام شهر کابل توسط عمال اجانب يك حادثۀ نهایت درجه دلخراش بود و يك خیانت بزرگ در تاریخ کشور محسوب میگردد. کلیه هموطنان رنجیده ما عقیده دارند که پاکستان، ایران و روسیه در سوختاندن و برپادی کابل شریک بوده و به یقین که توافقات سری درین خصوص میان این کشور ها منعقد گردیده بود. نیرو های تنظیمی که داخل صحنه پیکار بودند از کشور های درگیر در افغانستان هدایت میگرفتند. حکمتیار و سیاف از جانب پاکستان و عربستان سعودی، خلیلی، اکبری، مزاری و محقق از جانب ایران، احمدشاه مسعود، ربانی و دوستم از جانب روسیه در تخریب شهر و کشتار مردم کابل مسابقه میکردند. خلقی و پرچمی ها هم نظر به تعلقات قومی و مذهبی از جنگ های تنظیمی برای برپادی کابل و کشور حمایت نموده و عملاً داخل صحنه جنگ بودند. لذا مأمون میتواندست به آسانی جریان این جنایات و تبهکاری ها را توضیح دهد، به اعمال ضد بشری رهبران خود و سایر رهبران تنظیمی و ائتلاف خائنانۀ شان با خلقیان و پرچمیان اعتراف نموده و خود را از عذاب وجدان رهایی بخشد. اما متأسفانه که مأمون اعتراف و شهادت خود را نا کامل گذاشت.

مأمون همچنان از هدف اصلی روسیه (شوروی) بعد از شکست در افغانستان پرده بر نمیدارد. تصور نمیکنم که يك جمعیتی و شورای نظاری تحصیل یافته نتواند این راز را بفهمد. هدف اصلی روسیه (شوروی) بعد از سرنگونی از قبل طرح شده نجیب، انهدام حاکمیت پشتون و بقدرت رسانیدن ربانی - مسعود (تاجک) در راس هرم سیاسی افغانستان بود که موفق هم گردید. جریان سقوط نجیب و حمایت پرچمی های بیرکی و سایر نیرو های متمایل به مسکو از احمد شاه مسعود و ربانی گواه این واقعیت است. این حالت را بار دیگر بعد از تجاوز امریکا بر افغانستان و بقدرت رساندن ائتلاف شمال با تائید روسیه بوضاحت درمیابیم. این را هم میدانیم که گروه های جمعیت و شورای نظر مخالف سرسخت مطرح کردن موضوع غرامت جنگی از روسیه اند. دلیل این مخالفت را آقای مأمون بخوبی میداند. مأمون از انکشافات سیاسی ولایات شمال در جریان حاکمیت نجیب حرف میزند اما توضیح نمیدهد که در عقب آن انکشافات کدام کشور خارجی بود. شوروی سابق سرمایه گذاری های قابل توجه مادی و معنوی در شمال افغانستان کرده بود و افراد و گروه های متعددی را هم برای تثبیت نفوذ شوروی و پیش برد مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی تحت تربیه داشت که از آنها در همچو مواقع استفاده برده و روسیه هم از خیانت آنها حالا مستفید میشود. طرح روس ها این بود که: در صورت شکست نظام دست نشانده مسکو در کابل، آن نظام پوشالی بسوی سمت شمال کشور عقب نشینی نموده و دولت افغانستان شمالی را با همکاری جمعیت و شورای نظر زیر نظر مسکو تشکیل دهند. با وجودیکه سقوط سوسیال

امپریالیسم شوروی طرح اولی روس را موقتاً برهم زد، لکن نظام بعدی در مسکو تحولات افغانستان را بدقت مورد توجه قرار داده و از همان عناصر تربیه شده شوروی در سمت شمال استفاده برد. کاش آقای مأمون میتوانست از نقش تخریبی روسیه در انکشافات سیاسی شمال کشور و فعالیت تباه کن افراد و گروه های دست نشانده مسکو در جریان حاکمیت نجیب و بعد از آن حرفی میزد و شهادت خود را طور کامل ثابت میساخت .

از همه نویسندگان جمعیت و شورای نظار توقع میروود که حد اقل روش آقای رازق مأمون را تعقیب نموده اما بهتر از مأمون عمل نمایند. پشتیبانی از رهبران بی خرد و فروخته شده درد ایشان را دوا نمیکند. برای این افراد خاطر نشان میسازم قبل ازینکه بدیار عدم رهسپار گردند که همه بدانسو روانیم، خاطرات خود را طور واقعی بنویسند، حقایق تاریخی را بوضاحت بیان دارند و اعمال کلیه خائنین به کشور را (بشمول رهبران شان) برای مردم داغیده ما به تفصیل بیان دارند. با تبارز دادن چنین شهادت استثنائی، حامیان جمعیت و شورای نظار بزرگترین خدمت را برای هموطنان (!) مصیبت زده خود انجام خواهند داد.

پایان